

رودولف اتو و کتاب

مفهوم امر قدسی



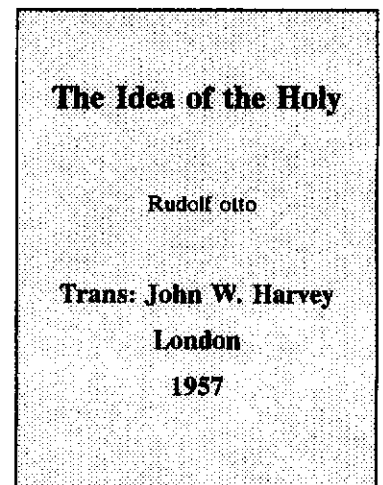
رودولف اتو (۱۸۶۹-۱۹۲۷) در هاننور دیده به جهان گشود. ابتدا در دانشگاههای گوتینگن و برسلو تدریس نمود و سپس در ماربورگ استاد الهیات گردید و در سال ۱۹۲۹ بازنشسته شد. او مطالعات گسترده‌ای دربارهٔ مسیحیت و نیز ادیان آسیایی و دینهای ابتدایی به عمل آورد و حاصل همهٔ این مطالعات تأسیس "موزه ادیان جهان" در ماربورگ بود که در آن روزگار یکی از مهمترین و معتبرترین دانشگاهها از نظر تدریس رشتهٔ فلسفه و مطالعات دینی بشمار می‌رفت. اتو هیچگاه ازدواج نکرد و همواره مجرد زیست و سالیانی دراز با یک راهبهٔ بیوه و دخترش زندگی سعادتمندی را سپری کرد.

او فعالیتهای گسترده‌ای در جهت نزدیک ساختن دینهای جهان و ایجاد همکاری و همدلی بین آنها داشت. اتو در طول عمر خویش علاوه بر تدریس الهیات و تاریخ ادیان و دین مسیح، کتابهای متعددی نگاشت که برخی از آنها شهرت جهانی یافتند و نام اتو را برای همیشه در میان دین پژوهان و علاقمندان مباحث دین شناسی جاودان ساختند. نام برخی از تألیفات او که به زبان انگلیسی ترجمه شده بدینقرار است:

طبیعت‌گرایی و دین (Naturalism And Religion)،
دین فیض در هند (India's Religion of Grace)،
ملکوت خدا و فرزند انسان (The kingdom of God And the Son of Man)،
مقالات دینی (Religious Essays)، عرفان در شرق و غرب (Mysticism East And West)، گیتای اصلی (The original Gita).

اما باید اذعان کرد که هیچیک از آثار او مثل کتاب "مفهوم امر قدسی" شهرت نیافته است و در محافل دانشگاهی و علمی با استقبال روبرو نگشته است. محور بحث ما در این نوشتار نیز همین کتاب اوست. این کتاب با نام اتو گره خورده است و برای او شهرت و آوازه‌ای جهانی و ماندگار به بار آورده است.

کتاب "مفهوم امر قدسی" با نام اصلی آلمانی (Das Heilige) که به معنای "قدسی"، "قدوس" یا "مقدس" است در سال (۱۹۱۷) چاپ و منتشر شد. و ترجمهٔ انگلیسی آن تحت عنوان انگلیسی (The Idea of the Holy) توسط انتشارات دانشگاه آکسفورد در سال ۱۹۲۳ انتشار یافت. و پس از آن هم اصل متن آلمانی و



- نام کتاب: مفهوم امر قدسی
- نوشته: رودولف اتو به زبان آلمانی
- ترجمه به انگلیسی: جان دیپلو. هاروی

کتاب "مفهوم امر قدسی" نگاشتهٔ رودولف اتو در بین دین شناسان، مورخان ادیان و فیلسوفان دین و استادان و دانشجویان رشتهٔ ادیان و دین شناسی تطبیقی از اعتبار و شهرت ویژه‌ای برخوردار است. این کتاب از نخستین کتابهایی است که حوزه‌های مختلف دین پژوهی مثل پدیده‌شناسی دین، روانشناسی دین، فلسفهٔ دین، الهیات فلسفی و حتی عرفان دینی را در بر می‌گیرد و به همین سبب در اغلب منابع دین پژوهی، اتو را از بزرگترین پدیده شناسان دین و پیشگامان روانشناسی دین بشمار می‌آورند. او در کتاب معروف "مفهوم امر قدسی" با نگاهی پدیدینه شناسانه به تفسیر "تجربهٔ دینی" پرداخته است و در ضمن طرح مطالب به روانشناسی دین، عرفان دینی و مباحث مربوط به فلسفهٔ دین و الهیات نیز پرداخته است. بی‌جهت نیست که دین پژوهان نامدار معاصر، این کتاب را نقطهٔ عطفی در تاریخ دین پژوهی و ادبیات مربوط به شناخت ادیان و دانش دین‌شناسی بشمار آورده‌اند.



هم ترجمه انگلیسی بارها و بارها تجدید چاپ شد. در ترجمه انگلیسی کتاب که توسط جان و هاروی انجام گرفته عنوان فرعی کتاب چنین آورده شده: "پژوهشی درباره عامل غیر عقلانی در مفهوم الوهیت و نسبت آن با عامل عقلانی". آتو خود، این ترجمه انگلیسی را دیده و مقدمه بسیار کوتاهی بر آن نگاشته است و در آنجا توضیح داده که مقصودش از عامل غیر عقلانی در الوهیت و یا دین عنصر فراعقلانی (Supra-rational) است که همان جنبه شهودی و عرفانی و قلبی دین است، نه اینکه دین حاوی عنصری ضد عقلانی یا خلاف عقل و عقل ستیزانه باشد. در همین مقدمه کوتاه آتو در مورد دین بر احساس (Feeling) در برابر مفهوم (Concept) تأکید می‌کند و اولی را بیش از دومی به حقیقت دین نزدیک می‌داند و بدینسان راه برای طرح مسأله "تجربه دینی" می‌گشاید.

آتو در همین مقدمه تصریح می‌کند که مراد من از عامل غیر عقلانی در دین و الوهیت، به هیچ وجه ترویج و طرفداری از ناپخردی و خردناگرایی که مُد زمانه شده است نبوده، بلکه مخالفت با مفهومی کردن دین در مقابل تجربه ناب روحانی از دین داشتن است. و جالب اینکه در مقدمه کوتاهش از "جاودان خرد" (Ratio aeterna) نام می‌برد که سنت گرایان و متفکران معنوی اندیش روزگار ما مثل فریتهوف شووان، هانری کربن و تیتوس بورکهارت نیز در آثارشان پیوسته این اصطلاح را بکار برده و در تشریح و ترویج آن کوشیده‌اند. پس آتو ضد فلسفه یا حتی عقلگرایی نیست، بلکه سعی در نیامیختن دین با فلسفه دارد. آتو در مقدمه یاد شده اشاره‌ای به ترجمه انگلیسی کتابش توسط جان هاروی دارد و درباره ارزش و اعتبار و پختگی این ترجمه چنین اظهار نظر کرده است: "یک منتقد انگلیسی گفته است که "ترجمه کتاب از متن اصلی آن بسیار بهتر است، من به این گفته هیچ اعتراضی ندارم." و بدینسان رضایت و تأیید خود را از ترجمه انگلیسی کتابش توسط هاروی صریحاً اعلام کرده است.

کتاب "مفهوم امر قدسی" از نوزده فصل اصلی تشکیل یافته است که عناوین فصلها را در اینجا می‌آوریم:

مقدمه

- ۱- عقلانی و غیر عقلانی
- ۲- الوهیت و امر قدسی
- ۳- عناصر موجود در امر قدسی (احساس مخلوقانه)
- ۴- امر راز آلود هیبتناک
- تحلیل ماهیت هیبت
- عنصر هیبتناکی
- عنصر غلبه ناپذیری (عظمت)
- عنصر قدرت یا بیواسطگی
- تحلیل ماهیت راز
- بکلی دیگر
- عنصر جذب
- ه تمثیل ها و احساسات آمیخته با آنها
- قانون تداعی احساسات

شاکله سازی
عقدسی بمنزله یک مقوله ارزشی
گناه و کفار

- ۷- شیوه‌های تجلی امر قدسی
- شیوه‌های مستقیم
- شیوه‌های غیر مستقیم
- شیوه‌های تجلی امر قدسی در هنر
- ۸- امر قدسی در عهد قدیم
- ۹- امر قدسی در عهد جدید
- ۱۰- امر قدسی در اندیشه لوتر
- ۱۱- دو فرآیند تکامل
- ۱۲- امر قدسی بمنزله یک مقوله پیشینی (بخش اول)

- ۱۳- نخستین تجلیات امر قدسی
- ۱۴- مراحل خام و ابتدایی (دین)
- ۱۵- امر قدسی بمنزله یک مقوله پیشینی (بخش دوم)

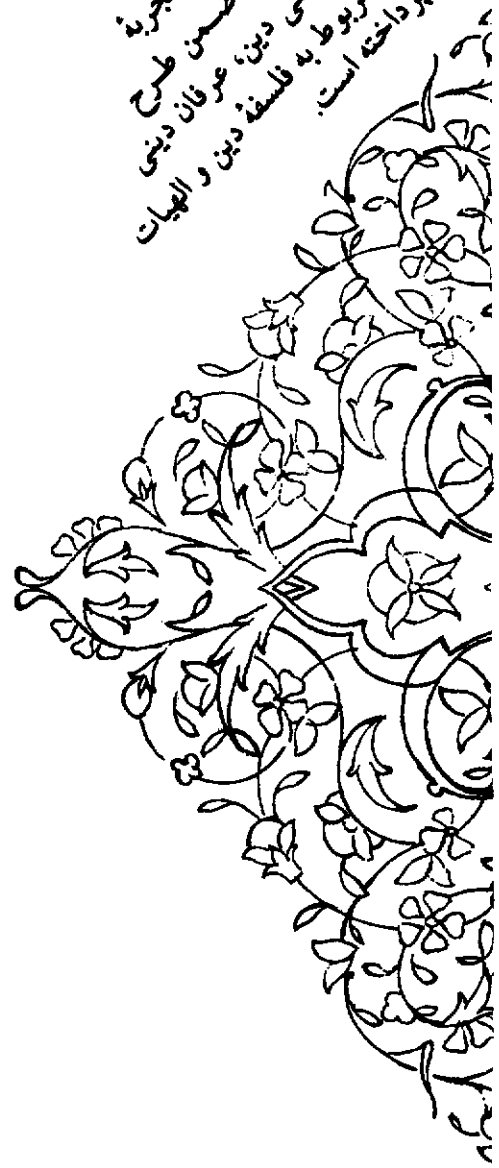
- ۱۶- تجلیات امر قدسی و قوه غیب‌شناسی
- ۱۷- تاله و غیب‌شناسی در مسیحیت اولیه
- ۱۸- تاله در مسیحیت امروزی
- ۱۹- تاریخ و مقوله پیشینی در دین: خلاصه مطالب و نتیجه‌گیری

پس از این نوزده فصل یاد شده ضمیمه‌ای از مترجم انگلیسی آمده است که "تجلی امر قدسی در متون زبان انگلیسی" نام دارد و افزوده مترجم است که به کتاب پیوست شده است و در پایان نیز فهرست اسامی و اصطلاحات و معانی بکار رفته در متن آورده شده است. حجم کتاب ۲۰۵ ص است، اما با حذف پیوست افزوده مترجم انگلیسی و فهرست پایانی کتاب، متن اصلی حدود ۱۹۵ ص است و در نسخه‌ای که در اختیار ماست عکس آتو همراه با فشرده‌ای از زندگینامه او در آخرین صفحه پایانی کتاب اضافه شده است، همچنانکه در آغاز کتاب فهرستی از آثار ترجمه شده آتو به زبان انگلیسی و نیز تگه‌هایی از اظهار نظر برخی مطبوعات درباره اهمیت این کتاب نقل شده است. نسخه متعلق به کتابخانه راقم این سطور چاپ سال ۱۹۵۹ است که در لندن و در سلسله کتابهای پلیکان منتشر شده است، اما چنانکه پیشتر گفتم اصل کتاب را آتو در ۱۹۱۷ نگاشته و نخستین چاپ ترجمه انگلیسی آن که آتو نیز آن را رؤیت کرده و بر آن مقدمه کوتاهی نگاشته مربوط به سال ۱۹۲۳ است. چاپ جدیدی نیز اخیراً در دانشگاه آکسفورد از همین ترجمه یاد شده صورت گرفته که هیچ مزیت یا افزایش و بهبودی در آن اعمال نشده، بلکه نسبت به نسخه‌ای که مورد ترجمه اینجانب قرار گرفته کمبودهایی نیز دارد، و برخی از توضیحات آغازین و پایانی کتاب یا اظهار نظرهای دیگران درباره کتاب حذف شده است!

آتو در نخستین فصل کتاب در باره تلقی ما از خدا بحث می‌کند و لب ادعای او این نکته است که خدا فوق عقل و توصیف است و موجودی درک ناپذیر و تعریف ناپذیر است و هرگونه تعریف خدا از طریق تمثیل و

▶ شانزدهمین فصل کتاب به "تجلیات آدمی قدسی و قوه غیب‌شناسی" اختصاص دارد و آتو در این فصل این عقیده را مطرح می‌سازد که انسان در آغاز عالم جان و نیز حی و خوردار است و پیوسته او را می‌جوید و از درون خود برانگیخته می‌شود و ندای او را درون غیب نبوغ و جانی غیب‌شناس و غیب‌گیر دارد.

در اغلب منابع دین پژوهی، آثو را از بزرگترین پدیده شناسان دین و پیشگامان روانشناسی دین بشمار می آورند. با نگاهی معروف "مفهوم امر قدسی" تجربه دینی "پر داخته است" در ضمن طرح و مباحث مربوط به فلسفه دین و الهیات نیز پر داخته است.



قیاس است و رنگ بشری دارد و آمیخته با محدودیت های بشری است، بنابراین خدا را با عقل نمی توان شناخت و عقل بشری ناتوانتر از آن است که بتواند خدا را درک کند و صفاتی را که در واپسین تحلیل به خدا نسبت می دهد محدود و متعین بوده و در خور یک موجود مشروط و مقید است نه خدای مطلق و نامتناهی. آثو از همینجا نتیجه می گیرد که بنابراین نمی توان و نباید دین را در محدوده عقل جستجو کرد و در مرزهای محدود عقل به بند کشید و محدود ساخت، بلکه دین شامل و حاوی اموری فراعقلانی است که در عین حال که ضد عقل نیستند، اما عقل نمی تواند آنها را فراچنگ آورد و برای عقل دسترس ناپذیراند.

فصل دوم کتاب به توضیح و تحلیل "نومینوس" یا امر قدسی اختصاص دارد که آثو آن را از واژه یونانی نومن (Numen) اخذ نموده است. بیان ناپذیری، تعبیر ناپذیری، غیر قابل توصیف بودن، از چنگ عقل گریختن، و پس زدن هرگونه تحلیل مفهومی از خصوصیات امر قدسی است. آثو در این فصل به توضیح مفهوم قداست (Holiness) پرداخته و بر تمایز آن از کمال اخلاقی و خیر فلسفی پای می فشرد. از نظر آثو مقدس و قداست بمعنای ارزشی و اخلاقی و یا محاوره ای و عرفی نیست. خداوند یا امر قدسی نه کمال فلسفی است و نه خیر اخلاقی (Morally good). قدسی، امری منحصر بفرد (Sui generis) است و قابل فروکاستن به هیچ مفهوم و مقوله دیگری نیست. آثو در پایان این فصل امر قدسی را به یک X یا مجهولی ناشناخته و درک ناپذیر تشبیه می کند و می گوید: "این X دقیقاً عین آن چیزی نیست که ما تجربه می کنیم، قابل تعلیم به دیگری هم نیست، بلکه باید در هر شخصی بیدار شود و در روح او بر انگیزخته شود، درست شبیه دیگر مواردی که الهام آمیزند و از درون شخص سر بر می کشند و روح او را تسخیر نموده و فرا می گیرند." آثو با هر گونه اخلاقی کردن یا عقلی کردن امر قدسی مخالف است زیرا آن را ورای مفهوم و عقل و اخلاق می داند و معتقد است تنها با تجربه کردن و احساس مستقیم و بیواسطه است که می توان امر قدسی را شناخت، این نیز موقوف عنایت است نه آموزش و تعلیم. در فصل سوم کتاب، آثو عناصر موجود در احساس امر قدسی یا مینوی را بر می شمرد و در رأس همه از احساس مخلوقانه یا احساس آفریده بودن سخن می گوید. احساس مخلوقانه یعنی اینکه آدمی احساس کند و در خود بیابد که هستی او عین اتکاء و وابستگی به سویی و جایی و کسی است و مطلق و رها نیست. لب و گوهر دین از نظر آثو همین تجربه و احساس مخلوقیت است و در همین فصل آثو تعریف مشهور شلایر ماخر درباره دین را یاد آور می شود که طبق آن دین یعنی احساس وابستگی مطلق. آثو به تعریف شلایر ماخر ایراد می گیرد و آن را ناقص و نارسا می داند و معتقد است که تنها احساس اتکاء یا وابستگی مطلق برای تعریف دین کافی نیست بلکه باید از آگاهی از مخلوق بودن و احساس مخلوقیت نیز سخن گفت. انتقاد آثو به

شلایرماخر این است که طبق تعریفی که او از دین ارائه می دهد، دین تبدیل به یک امر مفهومی (Conceptual) شده و خداوند به عنوان علت هستی من و یک علت اولی و در قالب مقولات فلسفی معرفی می شود که آثو سخت با آن مخالف است. زیرا خدای فلاسفه را با خدای زنده ای که ادیان معرفی می کنند متفاوت می داند. خدای زنده آدمی را به ایفای نقش فرا می خواند در حالیکه خدای فلسفی، خدای بیکاره و بی برنامه و پیام است.

در فصل چهارم کتاب و در ادامه همین بحث از عناصر موجود در امر قدسی، آثو دو مسأله راز و هیبت را مطرح می سازد. راز اودگی و هیبتناکی دو جنبه اساسی در تجربه امر قدسی اند. قدسی هم رازآلود است و هم هیبتناک. رازآمیزی او باعث می شود که فراتر از عقل و درک آدمی قرار بگیرد و هیبتناکی او موجب پیدایش نوعی هراس لذتبخش در آدمی می شود که از او حریم بگیرد و قلمرو بندگی را با الوهیت اشتباه نگیرد و بداند که حریم الوهیت، جای او نیست. بحث از قدرت و عظمت خداوند و حیرت زایی وجود شگفت او در ادامه این مباحث مطرح می شود و در این بخش آثو در چند موضع سخنانی از ویلیام جیمز نقل می کند که کاملاً صبغه عرفانی دارند و مربوط می شوند به رابطه بنده با خدا و هویت یابی آدمی در اثر این رابطه. بحث از "یکلی دیگر" یا "مطلقاً دیگر" یا "غیر مطلق" The "Wholly other" دنباله همین بحث رازآلودگی و حیرت زایی و هیبت خداوند مطرح شده و آثو در آنجا تصریح می کند که خدا شابهتی با هیچیک از موجودات دیگر ندارد و هر چه درباره او گفته شود جز به طریق رمز و تمثیل و زبان نمادین نتواند بود. چند فصل بعدی نیز ادامه همین مطالب است و اینکه آدمی به هنگام قرار گرفتن در برابر خدا یا امر قدسی چه حالی دارد و در اینجا آثو سخنانی از کتاب "اعترافات" قدیس اگوستین، سوز و عارف معروف مسیحی و نیز تجربه هراس اشعیای نبی نقل می کند که در واقع نوعی پدیده شناسی فرد دیندار و نیز روانشناسی دین است. فصل هشتم کتاب به جستجوی تصویر امر قدسی در عهد قدیم اختصاص دارد و در فصل نهم نیز "نومینوس در عهد جدید" مورد بحث قرار گرفته است که در این دو فصل، تلقی یهودی و مسیحی از امر قدسی تشریح شده است. او در فصل دهم کتاب به بررسی امر قدسی در اندیشه و نگرش مارتین لوتر، مصلح معروف پروتستانت می پردازد و تفاوت "خدای زنده" با "خدای هیچ کاره" در اندیشه لوتر توضیح داده می شود.

فصل یازدهم مشتمل بر بحثی در باره ترس، عشق و احساسات و حالات روانی عادی آدمی و تفاوت آنها با ترس دینی، عشق دینی و دیگر حالاتی است که فرد دیندار در مواجهه و تماس با امر قدسی تجربه می کند. در فصل دوازدهم آثو با تعبیری کانتی، قدسی را همچون مقوله ای پیشینی برای روح بشر معرفی می کند. حاصل سخن آثو در این فصل، این مدعاست که دینداری و گرایش به امری قدسی، امری ساختاری و ذاتی است که ریشه در سرشت و فطرت بشر دارد. در این

فصل آتو از کتاب "نقد عقل محض" اثر کانت سخنانی نقل می‌کند و می‌کوشد تا با وامگیری از اصطلاحات کانت نشان دهد که گرایش دینی و تمایل به مواجهه با امر قدسی در سرشت و ساختمان وجود انسانها ریشه‌ای استوار دارد و امری عارضی و صوری و سطحی و تحمیلی و بیرونی نیست، بلکه ریشه در درون جان آدمی دارد.

فصل سیزدهم کتاب به "تجلیات امر قدسی" مربوط است و از ارواح، اسطوره، نمادها، جادو، داستان پریان، اشیاء پاک و ناپاک سخن به میان می‌آید که چگونه به نحوی تجلیگاه امر قدسی قرار می‌گیرند. این بخش در واقع شامل پدیده‌شناسی دین و روانشناسی دین می‌شود. مسأله پرستش مردگان، اهریمن، ارواح خبیثه، آتشفشانها و کوهها و درختهای مقدس و نظر کرده، جانمند انگاری، وحدت وجود، مسأله پرستش به طور عام و کلی، نظریه توحید اولیه، حالات شخص دیندار به هنگام رویارویی با قدرت و عظمت و حضور مینوی امر قدسی همگی در این بخش به تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرند.

فصل چهاردهم به مسأله "تکامل دینی" و تفاوت بین تجربه دینی در مورد دینهای ابتدایی با دینهای پیشرفته و بزرگ می‌پردازد. در این فصل تمایز تجربه دینی با تجربه امور اهریمنی و غیرقدسی نیز مورد بحث قرار می‌گیرد. معنای وحی و الهام نیز در همین فصل تشریح شده است و نگاه آتوکاملاً نگاهی پدیدارشناسانه است که به ارزشگذاری و ارزشداوری نمی‌پردازد و همه جا به دنبال کشف خصوصیات ثابت و تغییرناپذیر تجربه امر قدسی است.

در فصل پانزدهم کتاب بحث پیشینی بودن (Apriori) مفهوم امر قدسی و عناصر پدیدآورنده آن مطرح شده است. آتو در این فصل به واقع در پی اثبات فطری بودن دین‌گرایی و خداجویی بشر است و در آغاز این فصل تصریح می‌کند که دین را نباید با اخلاق یا فلسفه یکی انگاشت و آن را بر اصول موضوعه مفهومی خاصی مبتنی ساخت، بلکه محتوای عقلانی و نیز فراعقلانی دین هر دو یکسان ریشه در ژرفنای نهفته روح آدمی دارند. در این فصل، سخنان و بیان آتو لحنی عرفانی دارد و به همبستگی و پیوند عمیق و استوار دین و عرفان تصریح و تأکید می‌کند.

شانزدهمین فصل کتاب به "تجلیات قدسی و قوه غیب‌شناسی" آدمی اختصاص دارد و آتو در این فصل این عقیده را مطرح می‌سازد که آدمی در عمق جان و درون روحتش از نیروی وجدان و تمیز حق و شناخت امر قدسی و عالم غیب برخوردار است و پیوسته او را می‌جوید و از درون خود برانگیخته می‌شود و ندای او را درون جان خود می‌نیوشد و گوشی غیب‌نیوش و جانی غیب‌شناس و غیب‌گیر دارد. آتو برای تأیید نظریه‌اش در مورد منشاء دین و دین‌گرایی آدمی که یک تئوری استعلائی (Transcendental) است از اشعار و سخنان کسانی مثل شیلر، گوته، شلایر ماخر و عاطفه گرایان و مکتب رمانتیسم مطالب و شواهدی نقل می‌کند و در

پایان این فصل می‌گوید گرایش به نومیوس یا امر قدسی، فطری و ذاتی بشر است و موهبتی درونی و باطنی است که به او عطا شده و می‌تواند بدان وسیله به احساس و شهود مستقیم امر قدسی نایل آید بی‌تعلیم غیر و بی‌مدد علوم و فلسفه.

در فصل هفدهم کتاب، آتو می‌کوشد تا رد پای عقیده به قدسی و تجلیات قدسی را در مسیحیت اولیه و آغاز ظهور مسیحیت نشان دهد. این فصل با انتقاد از شلایر ماخر آغاز می‌شود و آتو بر او خرده می‌گیرد که از تاریخ ادیان و نگاه تاریخی به دین غفلت کرده است و بخصوص به شخصیت مسیح و موقعیت ممتاز او در مسیحیت کم توجهی کرده است. آگاهی مسیح از الوهیت خویش در عین "مسخر بودن" او توسط پدر نکته‌ای است که آتو به تفصیل در این فصل تشریح می‌کند و نقص بزرگ کار شلایر ماخر را نیز غفلت از همین نکته می‌داند.

فصل هیجدهم کتاب به بررسی الوهیت و غیب‌شناسی و خداگرایی در مسیحیت موجود کنونی اختصاص داده شده است. تفاوت تلقی کلیسای اولیه با کلیسای امروزی در مورد امر قدسی مورد بررسی قرار گرفته و آراء و نگرش‌های پلوس قذیس مطرح شده است. چگونگی تفاوت تلقی کلیسا از مسیح و شخصیت او در گذشته و حال در جهان مسیحیت، محور بحثهای این فصل است. مسأله کفاره و آمرزش گناهان توسط مسیح نیز در همین فصل بحث شده است. بحث از "ملکوت خدا"، فرزندگی مسیح، تفسیر کتاب مقدس مضامین انجیله‌ها، رنج، گناه، عدل الهی، تقوا و پارسایی از دیگر مسائلی است که در این فصل از سوی آتو توضیح داده شده‌اند.

نوزدهمین فصل کتاب مروری بر خلاصه مطالب مطرح شده و نتیجه‌گیری مؤلف از آنهاست. در این فصل نکات برجسته قبلی که در کتاب آمده باز خوانی و تکرار می‌شود، دین عقلانی (یا طبیعی)، دین وحیانی و شهودی، درک پیشینی از دین، ویژگیهای امر قدسی، تجربه دینی، عناصر فرا عقلانی دین، ندای درونی آدمی، تجلیات قدسی در آفرینش، معنا و مراتب وحی، نقش روح، شخصیت مسیح و معنای قداست و مسایلی از این دست مورد تأکید مجدد و مرور شتابان نویسنده قرار می‌گیرد. و آخرین جمله متن اصلی کتاب در باره شخصیت عیسا مسیح است که می‌گوید: "چنین کسی بیش از یک پیامبر است، او فرزند (یا پسر) است." در اینجا کتاب به پایان می‌رسد و پیوست افزوده مترجم انگلیسی و فهرست اعلام کتاب در پی آن می‌آید.

گفتنی است که اینجانب تمامی این کتاب را به فارسی ترجمه کرده‌ام و اکنون در آستانه چاپ و انتشار است و امید می‌برم که در سال ۱۳۷۸ در دسترس علاقمندان قرار گیرد. □

پانویس:

1- The Idea of the Holy, Rudolf otto, Trans: John W. Harvey, London, 1957.

◀ آتو در نخستین فصل کتاب در باره تلقی ما از خدا بحث می‌کند و لب ادعای او این نکته است که خدا فوق عقل و توصیف است و موجودی درک‌ناپذیر و تعریف‌ناپذیر است و هرگونه تعریف خدا از طریق تمثیل و قیاس است و رنگ بشری دارد و آمیخته با محدودیت‌های بشری است، بنابراین خدا را با عقل نمی‌توان شناخت و عقل بشری ناتوانتر از آن است که بتواند خدا را درک کند و صفاتی را که در واپسین تحلیل به خدا نسبت می‌دهد محدود و متعین بوده و در خور یک موجود مشروط و مقید است نه خدای مطلق و نامتناهی.

◀ احساس مخلوقانه یعنی اینکه آدمی احساس کند و در خود بیابد که هستی او عین اتکاء و وابستگی به سویی و جایی و کسی است و مطلق و رها نیست. لب و گوهر دین از نظر آتو همین تجربه و احساس مخلوقیت است

